



دیدگاه ابن سینا درباره بدیهی بودن اخلاق و حسن و قبح ذاتی

عضو هیئت علمی دانشگاه قم بیان کرد: ابن سینا بدیهی بودن اخلاق و حسن و قبح را قبول نمی‌کند، اما نفی بدهاقت مستلزم نفی واقعیت نیست، چون همه واقعیات لزوماً بدیهی نیستند. بنابراین قطعاً ابن سینا ضد معتزله است، اما نمی‌توان گفت او واقع‌گرا نیست.

عضو هیئت علمی دانشگاه قم بیان کرد: ابن سینا بدیهی بودن اخلاق و حسن و قبح را قبول نمی‌کند، اما نفی بدهاقت مستلزم نفی واقعیت نیست، چون همه واقعیات لزوماً بدیهی نیستند. بنابراین قطعاً ابن سینا ضد معتزله است، اما نمی‌توان گفت او واقع‌گرا نیست.

به گزارش خبرنگار ایکننا، محسن جوادی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، امروز دوشنبه ۲۶ دی در نشست «نسبت ضروری جدل و علوم مدنی در ابن سینا»، که از سوی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد، به سخنرانی پرداخت که در ادامه گزیده سخنان وی را می‌خوانید:

وقتی مترجمان عرب کتاب‌های منطقی و فلسفی را ترجمه می‌کردند کلمه «طوبیقا» را در فلسفه یونانی به جدل ترجمه کردند که معادل درستی برای این کلمه است. ارسطو وقتی از جدل صحبت می‌کند به فواید آن اشاره می‌کند و می‌گوید چند فایده دارد که از جمله آنها غلبه است. یعنی کسی را پیش روی خود دارید که مطلب باطلی را مورد اشاره قرار داده یا مطلب حقی را انکار می‌کند اما نمی‌توانید با برهان، وی قانع کنید. بنابراین از جدل استفاده می‌کنید. فایده دیگر این است که گاهی اوقات، خودتان یا کسی دیگر که وارد برهان می‌شوید نمی‌تواند جانب یک طرف را بگیرد و مثلاً در بحث سعادت، مسیرهای برهانی زیادی وجود دارد و نمی‌توان لزوماً سعادت را به معنای خوشبختی یا لقاء الله نامید. بنابراین از مشهورات استفاده می‌کنید. ابن سینا در کتاب «شفا» هم به این موارد اشاره کرده است.

نحوه پرداختن ابن سینا به جدل

مورد دیگری که ارسطو در فواید جدل به آن اشاره کرده اما ابن سینا به آن اشاره نکرده این است که ما مبادی علوم را هم از جدل می‌گیریم. وقتی وارد فیزیک می‌شویم برخی مبادی وجود دارد که هنوز خود فیزیک آن را ثابت نکرده است اما فیزیکدانان به مشهورات اشاره کرده‌اند و مثلاً می‌گویند ماده وجود دارد و دیگر کاری با اثبات آن ندارند. ابن سینا به شکل تفصیلی‌تر به این منفعت‌های جدل اشاره می‌کند و از جمله می‌گوید قیاسات دیگری هم بعد از برهان وجود دارد که بیشتر کاربرد آنها در امور شرکیه یعنی اجتماعی است که تحقق عمومی آنها فایده دارد و تحقق شخصی آنها فایده‌ای ندارد؛ مثلاً راستگو بودن انسان عمدتاً به صورت فردی فایده‌ای ندارد، بلکه با وجود جمع معنا پیدا می‌کند. البته منظور وی از قیاس، همان استدلال است، ولی چون تعبیر آن رایج شده از همان قیاس استفاده می‌کند.

ابن سینا می‌گوید ما در امور مدنی ناچار به جدل هستیم بنابراین ربطی ضروری در استعمال جدل در امور مدنی داریم. بارزترین و شاه‌کلید امر مدنی هم اخلاق است و در این امور ناچار به جدل هستیم. درباره معنای استدلال جدلی یا قیاس جدلی هم باید گفت که ابن سینا می‌گوید صورت بندی استدلال‌های جدل با استدلال برهان تفاوتی ندارد. ما در برخی موضوعات همانند جوشیدن آب در دمای صد درجه که در طبیعت وضع شده‌اند نقش و تصرفی نداریم، بلکه صرفاً آن را بیان می‌کنیم. اینها مقدمات برهانی هستند که ما صرفاً آنها را کشف می‌کنیم. وی می‌گوید اخلاق وضعی است و ناچاریم در اخلاق از جدل استفاده کنیم. در جدل تمرکز ما روی موضوعه بودن آن است و در اینجا دیگر با تبیین کاری نداریم. ابن سینا می‌گوید بنده معتقد نیستم که موضوع جدل ضد طبیعت است.

تعریف امور مدنی

سؤال این است که امور مدنی کدامند؟ یکی از بهترین کتاب‌ها را در این زمینه فارابی نوشته است که تأثیر زیادی بر اندیشوران قرون وسطا گذاشت. وی ماهیت هر علمی از جمله فقه را توضیح داده است. فارابی در تعریف امور مدنی می‌گوید علم مدنی به فعل و غایت فعل که به امور ارادی ما مرتبط هستند می‌پردازد. وی از اینجا وارد حوزه سیاست هم می‌شود و می‌گوید سیاست هم امر مدنی است و مسیر هدایت و رستگاری هم کار سیاست است؛ در حالی که امروز در تعریف سیاست، بیشتر به امور معیشتی اشاره می‌شود. وی می‌گوید در جدل ضروری است از همه این موارد استفاده کنیم.

ابن سینا می‌گوید راهی غیر از جدل در امور اجتماعی و دسته‌جمعی نداریم و اگر مثلاً دنبال عدالت هستیم باید به صورت دسته‌جمعی دنبال آن باشیم. علت توجه به جدل از سوی وی در اینجا ضرورت‌های عملی هستند یعنی راه عملی دیگری نداریم. جدل مقوم مصلحت عمومی است. او می‌گوید من هم نمی‌توانم برای عموم مردم برهان بیاورم بنابراین باید سراغ جدل بروم. ابن

سینا معتقد است در امور مدنی به سختی می توان به شکل برهانی گفت راستگو بودن خوب است اما اگر مردم را در این زمینه اقناع نکنیم، خیر عمومی را از دست می دهیم. از سوی دیگر یادگیری برهان زمان زیادی می برد و زمان هم برای یادگیری برهان کافی نیست و در نتیجه فرصت از دست می رود. بنابراین باید دنبال جدل برویم و این هم نوعی ناچاری است.

دیدگاه ابن سینا درباره رابطه جدل و اخلاق

ابن سینا به رابطه ضروری بین جدل و اخلاق هم اشاره می کند و معتقد است اگر می خواهید اخلاق را ترویج کنید نمی توانید از برهان استفاده کنید بنابراین در زمینه اخلاق هم باید سراغ استفاده از جدل برویم. البته منظور این نیست که اخلاق فقط جدلی است بلکه بهترین راهی که برای تحقق آن در جامعه وجود دارد همین راه است. اشکالی که بیان می کنند این است که چرا ابن سینا به برهان برای براهین اخلاقی اشاره نمی کند؟ باید گفت که ابن سینا می گوید می خواهم کتابی در این زمینه بنویسم، اما این کتاب هرگز به دست ما نرسیده است. ارسطو هم در اول کتاب سیاست می گوید درست است که می گویند عدل، حسن است ولی من به راحتی نمی توانم بگویم عدالت چیست بلکه مشکلات زیادی در این زمینه پیش روی ما قرار دارد. برخی دیگر می گویند ابن سینا نمی خواست در این زمینه ورود کند، چون احساس کرده که در جامعه مفید به فایده نیست. سیدجواد طباطبایی در کتاب «زوال اندیشه سیاسی در ایران» می گوید این فیلسوفان می ترسیدند چنین حرف های عقلی بزنند، اما بنده با چنین دیدگاهی مخالفم و معتقدم جایی برای ترس از بیان چنین مطالبی وجود نداشته است.

البته ابن سینا بدیهی بودن اخلاق و حسن و قبح را قبول نمی کند، اما نفی بداهت مستلزم نفی واقعیت نیست، چون همه واقعیات لزوماً بدیهی نیستند. بنابراین قطعاً ابن سینا ضد معتزله است، اما نمی توان گفت وی واقع گرا نیست. وی حسن و قبح ذاتی را هم قبول ندارد چون بداهت آنها را قبول ندارد و می گوید عقل چنین درکی ندارد. اتفاقاً مرحوم آخوند خراسانی در «کفایه الاصول» به خوبی این موضوع را درک کرده و به دیدگاه ابن سینا در این زمینه اشاره کرده است.